بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (خلل قبله) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین

# [صور مساله1]

در مساله یک از فصل هفتم از کتاب صلاه یعنی فصلی که مربوط است به احکام خلل در قبله، در این مساله صور و شقوق و متعددی برای اخلال به استقبال قبله تصویر می‌شود که مرحوم سید صاحب عروه این شقوق را در سه صورت اصلی قرار داده‌اند و حکم این سه صورت را بیان داشته‌اند:

 - صورت اول: اخلال به استقبال قبله از روی علم و عمد

 - صورت دوم: اخلال به استقبال قبله از روی جهل یا نسیان یا غفلت با خطاء یا ضیق وقت با این خصوصیت که انحراف قبله ما بین یمین و یسار باشد و کمتر از 90 درجه باشد

 - صورت سوم: اخلال به استقبال قبله از روی جهل یا نسیان یا غفلت با خطاء یا ضیق وقت ولی مقدار انحراف در حد خود یمین و یسار و بیشتر است یعنی 90 درجه یا 180 درجه

بحث از صورت اول و صورت دوم گذشت و صورت سوم از این سه صورت اصلی بحثش مانده است که اخلال به استقبال از روی جهل یا نسیان یا غفلت یا خطاء در اجتهاد یا ضیق وقت ولی مقدار انحراف 90 درجه یا بیشتر از 90 درجه است و مرحوم سید در این صورت ثالثه تفصیل داده‌اند بین خطای از روی اجتهاد و جایی که انحراف از روی خطای اجتهاد نباشد و بین این دو حالت تفصیل داده‌اند.

## [اخلال از روی خطای در اجتهاد]

مرحوم سید فرموده است اخلال به استقبال در این انحراف کثیر اگر این اخلال از روی خطای در اجتهاد باشد در صورتی که کشف خلاف در وقت بشود اعاده این نماز واجب است ولی اگر کشف خلاف در خارج وقت باشد دیگر اعاده لازم نیست ولو در حد استدبار باشد و از نظر فتوا قضاء واجب نیست گرچه احوط استحبابی این است که مطلقاً اعاده شود؛ مخصوصاً این احتیاط استحبابی اختصاص به جایی که انحراف در حد استدبار است دارد لذا لاینبغی ترک اعاده در فرض اخلال 180 درجه باشد در فرضی که اخلال از روی خطای در اجتهاد باشد؛ مرحوم سید در ادامه فرموده است که اگر انکشاف خلاف در اثناء نماز باشد جای اعاده است و همانطورکه اگر در وقت کشف خلاف شود اعاده لازم است در وقتی که کشف خلاف در اثنا باشد نیز اعاده لازم است.

## [اخلال از روی جهل، نسیان، غفلت یا ...]

اگر اخلال از روی خطای در اجتهاد نباشد بلکه اخلال به استقبال قبله از روی جهل یا نسیان یا غفلت باشد؛ مصلی باید نماز را اعاده کند و تفصیل ندارد چه در وقت و چه در خارج وقت باید نماز را اعاده کند و سید فرموده است «و إن کان جاهلا أو ناسیا أو غافلا فالظاهر وجوب الإعادة فی الوقت و خارجه.» [[2]](#footnote-2)

## [سه قسمت در صورت سوم]

 1. جایی که اخلال به استقبال از روی خطای در اجتهاد باشد و کشف خلاف پس از فراغ از صلات باشد

 2. جایی که اخلال به استقبال از روی خطای در اجتهاد باشد ولی کشف خلاف در اثناء صلات باشد

 3. جایی که اخلال به استقبال از روی جهل یا غفلت یا نسیان باشد

اعلام و محشین عروه در هر سه قسمت بعضاً با سید اختلاف نظر دارند و برخی در قسمت اول وبرخی در قسمت دوم و برخی در قسمت سوم مناقشه دارند.

### [بررسی تعلیقه‌های قسمت اول]

در قسمت اول در فرضی که انحراف کثیر از روی خطای در اجتهاد باشد و کشف خلاف در وقت باشد اعاده واجب است و در خارج وقت اعاده واجب نیست و احتیاط مستحب اعاده است در این قسمت اول، خود مرحوم سید تفصیل بین یمین و یسار و استدبار نداده است ولی عده‌ای از محشین عروه حاشیه زده‌اند که «بل لا یخلو من قوّة فی صورة الاستدبار» به نحو فتوا که وجوب اعاده خالی از قوت نیست و لایخلو عن قوه تعبیری است که در مورد فتوا به کار می‌رود که در تعلیقه اعلامی مثل مرحوم بروجردی و خوانساری است.

### [اعتراض به احتیاط مستحب]

عده دیگر نیز در اعتراض به احتیاط استحبابی حاشیه دارند که این احتیاط استحبابی نيست بلکه احتیاط لزومی است و در این موارد محشی به رسم معهود می‌نویسد «لایترک» که این لفظ به معنای احتیاط لزومیه است مثل اقای آل یاسین، حکیم، سید عبدالهادی شیرازی، محقق عراقی.

[تدقیق در مصطلحات رسم تعلیقه نویسی]

مرحوم اقای خویی از نظر فتوایی با مرحوم سید موافق است یعنی ایشان هم در انکشاف خلاف در خارج وقت قضا را لازم نمی‌داند مثل سید حال با توجه به اینکه ایشان موافق است و سید در متن فتوا به عدم وجوب قضا فتوا داده‌اند لذا با توجه به موافقت نظر اقای خویی دیگر جای تعلیقه ندارد ولی در اینجا عروه با تعلیقه با عنوان تعلیقه اقای خویی ثبت شده است که "لاباس بترکه" که این تعبیر از جهت رسم تعلیقه نویسی جا نداشت؛ بله در مواردی که در متن احتیاط لزومی باشد و نظر محشی احتیاط استحبابی باشد دراینصورت تعبیر لاباس بترکه درست است و همین طور اگر در متن احتیاط استحبابی باشد و نظر محشی احتیاط لزومی باشد باید نوشته شود "لایترک" ولی در جایی که نظر محشی با صاحب متن اختلاف ندارد جای تعلیقه زدن نیست و در جایی که هر دو احتیاط استحبابی قائلند دیگر تعلیقه لاباس بترکه جایی ندارد؛ مرحوم اقای تبریزی نیز در موارد متعدد می فرمود : اگر معلِق هم نظر صاحب متن باشد نباید تعلیقه بزند.

حال عده‌ای فتوای به وجوب قضا در انحراف در حد استدبار داده‌اند و برخی احتیاط لزومی کرده‌اند علی رغم متن عروه

### [بررسی تعلیقه‌های قسمت دوم]

اما قسمت دوم از فرمایش سید در کشف خلاف در اثناء که یعنی همانطور که در کشف خلاف در وقت بعد فراغ اعاده لازم است، در کشف خلاف در اثناء نیز اعاده لازم است و باید نماز رها کند و با تصحیح جهت از سر بگیرد و نوع اعلام فرمایش سید در این قسمت را قبول کرده‌اند ولی برخی از اعلام تفصیل داده‌اند چون اینکه شخص در اثناء نماز شخص متوجه شود اگر نماز را رها کند می‌تواند ولو یک رکعت را در وقت درک کند یا اینکه اگر نماز را رها کند دیگر یک رکعت را نیز درک نمی‌کند و این انکشاف در اثنا خود دو حالت دارد و مقتضی اطلاق عبارت سید این است که در هر دو حالت باید از سر بگیرد و اعاده لازم است ولی برخی از اعلام مثل مرحوم امام ره تعلیقه دارند و مرحوم اقای حکیم ولو تعلیقه ندارند ولی در مستمسک قائل به تفصیل هستند و در تعلیقه مرحوم امام تفصیل داده شده است که ایا اگر نماز ش را در فرض مذکور رها کند می‌تواند یک رکعت در وقت را درک کند یا نه در فرضی که فرصت نباشد نمازش را تصحیح می‌کند و بقیه نماز را با تحویل وجه به سمت قبله می‌خواند و مرحوم همدانی نیز در مصباح الفقیه این تفصیل را دارد.

 «إن انکشف فی الأثناء انحرافه عمّا بین الیمین و الشمال: فإن وسع الوقت لإدراک رکعة فما فوق‌ها قطع الصلاة و أعادها مستقبلا، و إلاّ استقام للباقی، و تصحّ صلاته علی الأقوی و لو مع الاستدبار، و إن کان الأحوط قضاؤها أیضا. (الخمینی)»

### [بررسی تعلیقه قسمت سوم]

مرحوم سید در جایی که اخلال به استقبال قبله از روی جهل، غفلت و نسیان، باشد ظاهر وجوب اعاده است چه داخل چه خارج وقت که باید قضا شود و مرحوم سید نیز تفصیل نداده است ولی در اینجا هم عده‌ای از محشین تعلیقه دارد.

مرحوم نائینی در اینجا فرموده است اینکه باید قضا شود برای جایی است که شخص جاهل به حکم باشد ولی اگر شخص ناسی باشد دیگر قضا ندارد «إذا کان جاهلا بالحکم فالأقوی عدم معذوریّته مطلقاً. (النائینی).»؛ مرحوم اقای خویی فرمودند که «لا یبعد عدم وجوب القضاء فی غیر الجاهل بالحکم. (الخوئی).»؛ نظر مرحوم اقای حکیم بر این قرار است «فی عموم الحکم لناسی الموضوع و الغافل عنه إشکال، و إن کان أحوط. (الحکیم).» که باید بین حالت جهل به حکم که قبول داریم که قضا لازم است و و فرض در نسیان و غفلت یا قضا را قبول نداریم یا احتیاطی شده‌اند تفصیل داد.

لکن عده‌ای از محشین وجوب قضا را در صورت سوم قبول نکرده‌اند مثل مرحوم اقای حائری «فی لزوم القضاء تأمّل، و إن کان أحوط. (الحائری).» ولی مرحوم کاشف الغطاء فرموده است «أی لو تبیّن الخطأ فی الوقت أعاد، فإن أهمل قضی فی خارجه، و کذا یقضی لو تبیّن الخطأ فی خارجه، و لکن لا یبعد أنّ حکم الجاهل و الناسی و الغافل حکم المجتهد المخطئ فی وجوب الإعادة فی الوقت دون خارج»

این بر اساس انچه در متن عروه بیان شده است ولی در بررسی نهایی این بحث باید دید با توجه به ادله خاصه وعمومات حکم در این سه قسمت چیست؟

##  [قسمت اول: تفصیل خطای در اجتهاد]

 در انکشاف در وقت اعاده لازم است؛ دلیلی که دلالت می‌کند بر این حکم علاوه بر عمومات و اطلاقاتی که در بین وجود دارد علاوه بر اینکه مقتضی قاعده وجوب الاعاده است به سبب اطلاقات شرطیت یا حدیث لاتعاد به حسب اخلال به خمس در مستثنی منه ولی در کنار این اطلاقات روایات خاصه‌ای در باب 11 از ابواب قبله وارد شده‌اند همین دلالت را دارند که در انکشاف خلاف در وقت ولو از روی خطای در اجتهاد باشد اعاده لازم است:

 1-روایت عبدالرحمن بن ابی عبدالله:

 إِذَا صَلَّيْتَ وَ أَنْتَ عَلَى غَیْرِ الْقِبْلَةِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ وَ أَنْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ وَ أَنْتَ فِي وَقْتٍ فَأَعِدْ وَ إِنْ فَاتَكَ الْوَقْتُ فَلَا تُعِدْ.

 2-صحیحه یعقوب بن یقطین:

 «سألت عبداً صالحاً (ع) عن رجل صلی فی یوم سحاب علی غیر القبلة ثمَّ طلعت الشمس و هو فی وقت أ یعید الصلاة إذا کان قد صلی علی غیر القبلة و إن کان قد تحری القبلة بجهده أ تجزؤه صلاته؟ فقال (ع): یعید ما کان فی وقت، فاذا ذهب الوقت فلا إعادة علیه»

ولی عدم وجوب قضا در انحراف 90 درجه یمین و یسار قول مشهور بین اصحاب است ولی از برخی از اصحاب شواذ حکایت شده است حتی در انحراف یمین و یسار فرض خطای اجتهاد نیز قائل به وجوب قضا شده‌اند اما در کشف خلاف خارج وقت اگر انحراف در حد استدبار باشد اختلافی است و عده زیادی قائل به عدم وجوب اعاده هستند و عده‌ای نیز قائل به اعاده‌اند و در مستمسک اینگونه اماده است: «فهو المحکی عن کثیر - منهم السید و الحلی، و ابن سعید، و العلامة و الشهید فی جملة من کتبهما، و ابن فهد، و المیسی، و الشهید الثانی، و ولده، و سبطه، و الخراسانی، و الأصبهانی، و غیرهم - أخذاً بإطلاق النصوص النافیة للإعادة فی خارج الوقت. و عن الشیخین و سلار و ابن زهرة، و العلامة فی جملة أخری من کتبه، و اللمعة و التنقیح و جامع المقاصد و غیرهم، بل عن الروضة نسبته الی المشهور وجوب القضاء. و لیس لهم شاهد ظاهر.»

دراین قسمت اختلاف واضحی درمیان است حال باید دید قائلین به عدم وجوب قضا چه در انحراف یمین و یسار و چه استدبار و انهایی که قائل به وجوب قضاء هر دو طائفه چه ادله‌ای دارند.

1. یکشنبه،18شهریور1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)، جلد: ۲، صفحه: ۳۱۴ [↑](#footnote-ref-2)